

A Comparative Study of the Ruling on Marriage with People of the Book in the Jurisprudence of the Five Major Schools of Thought

Farakhonde Osman Khail

Department of Jurisprudence and Principles of Jurisprudence, Family Jurisprudence Faculty, Al-Mustafa Open University, Qom, Iran.

Mojtaba Efati

Department of Jurisprudence and Principles of Jurisprudence, Family Jurisprudence Faculty, Al-Mustafa Open University, Qom, Iran.

Abstract:

The marriage of a Muslim to a non-Muslim is one of the important and complex issues in Islamic societies, encompassing religious, social, cultural, and legal dimensions. This article examines the various religious and jurisprudential perspectives regarding this type of marriage. From an Islamic perspective, the Quran and Hadith have stipulated specific conditions for Muslims marrying People of the Book (Jews and Christians), while marriage with those not considered People of the Book faces jurisprudential restrictions (The Holy Quran, Al-Ma'idah: 5). Furthermore, the social and cultural impacts of such marriages, including challenges and difficulties in religious and cultural adaptation, are analyzed. This article, while reviewing the opinions of Islamic jurists and Maraji' al-Taqlid, also compares the laws of different countries and the experiences of Muslim and non-Muslim communities in this regard. The aim of this research is to provide a comprehensive and documented analysis of the various dimensions of marriage between a Muslim and a non-Muslim and to examine its legal and social challenges.

This issue is one of the fundamental discussions in Family Jurisprudence and, in the contemporary world, given the increase in cultural interactions and interfaith marriages, has become a jurisprudential, social, and legal challenge. Secondly, examining the diverse opinions of the Islamic schools of thought helps in understanding the jurisprudential and narrative diversity regarding this issue and demonstrates how juristic reasoning (Ijtihad) is shaped based on Quranic texts, narrations (Riwayat), and social interests (Masalih). It also clarifies that certain rulings, such as the permissibility of a Muslim man marrying a woman from the People of the Book or the prohibition of a Muslim woman marrying a non-Muslim, are not only based on religious texts but also have dimensions related to protecting religious identity, raising a Muslim generation, and preserving the structure of the Islamic family.

Finally, this research provides a scholarly foundation for legislating personal status laws in Islamic countries, as well as for interfaith dialogue, fostering unity in understanding religious rulings and peaceful coexistence in multi-religious societies.

Keywords: People of the Book; Permanent Marriage; Temporary Marriage (Mut'ah); Custody (Hadanah); Guardianship (Wilayah); Marriage.

بررسی تطبیقی حکم ازدواج با اهل کتاب در فقه مذاهب خمس

فرخنده عثمان خیل^۱

گروه فقه و اصول، دانشکده فقه خانواده، دانشگاه مجازی المصطفی، قم، ایران.

معجبی عفتی^۲

گروه فقه و اصول، دانشکده فقه خانواده، دانشگاه مجازی المصطفی، قم، ایران.

چکیده:

ازدواج مسلمان با غیرمسلمان یکی از مسائل مهم و پیچیده در جوامع اسلامی است که ابعاد دینی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را در بر می‌گیرد. در این مقاله به بررسی دیدگاه‌های مختلف دینی و فقهی در مورد این نوع ازدواج پرداخته شده است. از منظر اسلامی، قرآن و حدیث شرایط خاصی را برای ازدواج مسلمانان با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) بیان کرده‌اند، در حالی که ازدواج با غیر اهل کتاب از نظر فقهی با محدودیت‌هایی مواجه است (قران کریم، مانده: ۵). همچنین، تأثیرات اجتماعی و فرهنگی چنین ازدواج‌هایی، از جمله چالش‌ها و مشکلات در سازگاری دینی و فرهنگی، تحلیل شده است. در این مقاله، ضمن بررسی نظرات مراجع تقلید و فقیهان اسلامی، به مقایسه قوانین کشورهای مختلف و تجربیات جوامع مسلمان و غیرمسلمان در این زمینه پرداخته می‌شود. هدف این تحقیق، ارائه تحلیل جامع و مستند از ابعاد مختلف ازدواج مسلمان با غیرمسلمان و بررسی چالش‌های حقوقی و اجتماعی آن است.

این مسئله از مباحث بنیادین در فقه الاسرة بوده و در دنیای معاصر با توجه به افزایش تعاملات فرهنگی و ازدواج‌های بین‌دینی، به یک چالش فقهی، اجتماعی و حقوقی تبدیل شده است. ثانیاً، بررسی نظرات مختلف مذاهب اسلامی، به درک تنوع فقهی و روایی در این مسئله کمک کرده و نشان می‌دهد که اجتهاد فقهی چگونه بر اساس نصوص قرآنی، روایات و مصالح اجتماعی شکل گرفته است. همچنین روشن می‌شود که برخی احکام مانند جواز ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب یا حرمت ازدواج زن مسلمان با غیرمسلمان، نه تنها بر نصوص شرعی استوارند، بلکه دارای ابعاد حفاظت از هویت دینی، تربیت نسل مسلمان و حفظ ساختار خانواده اسلامی نیز هستند. در نهایت، این تحقیق زمینه‌ای علمی برای تقنین قوانین احوال شخصیه در کشورهای اسلامی، و نیز برای گفت‌وگوی بین‌دینی فراهم می‌آورد و موجب وحدت در فهم احکام و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جوامع چنددینی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: اهل کتاب؛ نکاح دایم؛ نکاح متعه؛ حضانت؛ ولایت؛ ازدواج.

مقدمه

ازدواج یکی از اصول اساسی در تشکیل خانواده و یکی از مهم‌ترین مسائل در جوامع بشری است که علاوه بر جنبه‌های فردی و عاطفی، ابعاد فقهی و حقوقی گسترده‌ای دارد. در اسلام، ازدواج نه تنها به عنوان یک پیوند عاطفی میان دو نفر بلکه به عنوان یک رابطه شرعی با قوانین و مقررات خاص تعریف شده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۵۱۷ق). در این راستا، مسائل مختلفی همچون شرایط ازدواج، حقوق طرفین، حقوق فرزندان و آثار آن در فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند. یکی از مسائلی که در فقه اسلامی از دیرباز مورد بحث و اجتهاد قرار گرفته، ازدواج مسلمان با غیرمسلمان است که به‌ویژه در جوامع اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. در قرآن کریم و سنت نبوی، اصولی درباره ازدواج با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) بیان شده است. برای مثال، در قرآن کریم، در سوره مائده (آیه ۵) آمده است: «الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلْلٌ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلْلٌ لَهُمْ» که این آیه به صراحت حکم می‌کند که مسلمانان می‌توانند با زنان اهل کتاب (یهودی یا مسیحی) ازدواج کنند، ولی در عین حال، قرآن شرایط و محدودیت‌هایی را برای این نوع ازدواج‌ها قائل است.

مسئله ازدواج مسلمان با غیرمسلمان، از جمله مواردی است که در مذاهب اسلامی مختلف، نظرات متفاوتی در مورد آن وجود دارد. در حقیقت، مذاهب پنج‌گانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) و فقه شیعه امامیه در این زمینه دارای دیدگاه‌های خاصی هستند که به دلایل مختلف، نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق). از یک طرف، فقه شیعه امامیه ازدواج با غیرمسلمان را در برخی موارد ممنوع می‌داند، به‌ویژه ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان را تحریم کرده، در حالی که از طرف دیگر، برخی مذاهب اهل سنت، ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب را مجاز می‌دانند، البته تحت شرایط خاصی.

این تفاوت‌ها نه تنها در مسائل فقهی و دینی بلکه در مسائل اجتماعی و حقوقی نیز تاثیرگذار هستند. به عنوان مثال، در صورتی که یکی از طرفین مسلمان و دیگری غیرمسلمان باشد، مسائلی چون ارث، حضانت فرزند، نفقه، ولایت، و تبعات حقوقی ازدواج مطرح می‌شود. این مسائل، به‌ویژه در جوامع چنددینی و در مواجهه با قوانین بین‌المللی و دولت‌های چندفرهنگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. از این رو، درک دقیق احکام فقهی ازدواج مسلمان با غیرمسلمان برای حل مسائل حقوقی و اجتماعی جامعه اسلامی ضروری است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق).

بیان مسئله

ازدواج مسلمان با غیرمسلمان یکی از مسائل پرچالش در جوامع اسلامی و غیر اسلامی است که همواره مورد توجه فقیهان، اندیشمندان و جوامع مختلف بوده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۲ق). این موضوع از جنبه‌های مختلف دینی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی قابل بررسی است و پرسش‌هایی را در مورد حدود و شرایط ازدواج میان‌مذهبی ایجاد می‌کند. از منظر دینی، در اسلام، قرآن و سنت پیامبر اسلام شرایط خاصی برای ازدواج

مسلمانان با غیر مسلمانان بیان کرده‌اند، به‌ویژه در مورد ازدواج با اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) (قران کریم، مانده: ۵). این امر سوالاتی در خصوص جواز و محدودیت‌های چنین ازدواج‌هایی در بین فقیهان و مراجع تقلید به‌وجود آورده است.

از طرفی، در جوامع مختلف اسلامی، بسیاری از افراد و خانواده‌ها با چالش‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با ازدواج مسلمان با غیر مسلمان مواجه هستند که ممکن است تأثیرات منفی بر روابط خانوادگی، هویت دینی و تربیت فرزندان داشته باشد. این مسائل به‌ویژه در جوامعی که مسلمانان و غیر مسلمانان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، پیچیده‌تر می‌شود.

با توجه به این‌که اختلافات در تفسیر و اجرای قوانین مذهبی و اجتماعی می‌تواند باعث بروز مشکلات جدی در روابط میان مذهبی شود، این تحقیق قصد دارد تا به بررسی ابعاد فقهی، اجتماعی و حقوقی ازدواج مسلمان با غیر مسلمان پرداخته و چالش‌ها و فرصت‌های آن را در جوامع مختلف مورد بررسی قرار دهد. ضرورت این تحقیق درک بهتر از تأثیرات چنین ازدواج‌هایی بر هویت فردی و اجتماعی، و همچنین ارائه یک تحلیل مستند از دیدگاه‌های مختلف دینی و فقهی در این زمینه است. این بررسی می‌تواند به روشن‌تر شدن مسائل حقوقی و فرهنگی پیرامون این نوع ازدواج‌ها کمک کند و راه‌کارهایی برای مدیریت چالش‌های آن ارائه دهد.

سوالات تحقیق

سوال اصلی

حکم ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب (یهودی یا مسیحی) در هر یک از مذاهب خمسّه چیست و چه شروطی برای صحت این ازدواج وجود دارد؟

سوالات فرعی

- آیا ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان (اهل کتاب یا غیر اهل کتاب) در مذاهب مختلف اسلام جایز است؟
- دلایل فقهی و قرآنی این ممنوعیت چیست؟
- تفاوت دیدگاه مذاهب اهل سنت با فقه شیعه امامیه در خصوص ازدواج موقت یا دائم با غیر مسلمان چیست؟
- نظر مذاهب خمسّه در مورد استمرار یا فسخ ازدواج پیشین پس از مسلمان شدن یکی از طرفین (زن یا مرد) چگونه است؟
- در صورت وقوع ازدواج بین مسلمان و غیر مسلمان، چه آثاری از نظر حقوقی و فقهی (مانند ارث، حضانت، ولایت و...) در هر مذهب مترتب می‌شود؟

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱. مفاهیم و اهمیت ازدواج در اسلام

ازدواج در اسلام از جایگاه رفیع و بنیادینی برخوردار است و نه تنها به عنوان یک نیاز طبیعی و غریزی، بلکه به مثابه نهادی مقدس و الهی در جهت حفظ دین، اخلاق، نسب و انسجام اجتماعی تعریف شده است (النووی، ۱۴۱۷ق). این پیمان، زمینه ساز تشکیل خانواده و بستری برای آرامش روانی، تعالی روحی، و تربیت نسل صالح شمرده می شود. قرآن کریم در سوره (روم آیه ۲۱)، هدف از ازدواج را ایجاد مودت و رحمت میان زوجین بیان می دارد «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً».

این آیه نشان می دهد که غایت ازدواج، نه صرفاً ارضای شهوت، بلکه ایجاد آرامش و محبت پایدار میان زن و شوهر است. علمای اهل سنت با تأکید بر این مبنا، ازدواج را از جمله سنن مؤکده پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم دانسته اند. امام نووی در «روضة الطالبین» تصریح می کند که نکاح در اصل مستحب مؤکد است و در برخی موارد - بسته به شرایط فردی و اجتماعی - ممکن است واجب یا مکروه گردد (النووی؛ ۱۴۱۷ق: ۱۷۶ص).

امام سرخسی از فقهای برجسته حنفی در کتاب «المبسوط» می نویسد: «النکاح أصل من أصول الدين، وبه يتم حفظ النسب والدين»؛ یعنی ازدواج یکی از پایه های دین است که به وسیله آن دین و نسب حفظ می گردد. این دیدگاه، ازدواج را نه صرفاً یک قرارداد اجتماعی، بلکه ابزاری برای حفظ کیان اسلام و ساختار امت می داند. از منظر فقه مالکی، ازدواج در بسیاری از موارد نه تنها مستحب، بلکه مطلوب شرعی مؤکد است. امام قرطبی در تفسیر خود ذیل آیه سوره نور (آیه ۳۲) می گوید: «هذا أمر ندب، وهو من سنن المرسلين»؛ یعنی فرمان ازدواج، یک توصیه شرعی است و از سنت های پیامبران (السرخسی؛ ۱۴۰۶ق: ۶۷ص).

همچنین، امام شافعی ازدواج را راهی برای صیانت از دین، دفع فتنه، و تربیت اولاد صالح می داند و آن را در برخی حالات - مانند خوف ارتکاب زنا - واجب می شمارد. (الشافعی؛ ج ۵؛ ص ۳۵)

ازدواج در نگاه اسلام همچنین به مثابه عاملی مهم در پاک دامنی و پرهیز از فحشا معرفی شده است. روایتی مشهور از پیامبر اکرم آمده است که فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ دِينِهِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي».

(هر کس ازدواج کند، نیمی از دین خود را کامل کرده است، پس در نیم دیگر تقوای الهی پیشه کند). (الترمذی؛ ش ۱۰۸۲)

بنابراین، ازدواج نه تنها یک سنت نبوی بلکه وسیله ای برای رسیدن به کمال انسانی، حفظ پاکی، و تشکیل جامعه ای سالم و متعادل در نگاه فقه اسلامی تلقی می گردد.

۲. انواع ازدواج پیش از اسلام

پیش از ظهور اسلام، نظام ازدواج در میان اعراب جاهلی ساختار مشخص و شفاف امروزی را نداشت و گونه های مختلفی از روابط میان زن و مرد در قالب ازدواج یا شبه ازدواج رایج بود. اسلام با ظهور خود، بسیاری از این انواع را باطل اعلام کرد و تنها شکل مشروع و معین ازدواج را تثبیت نمود. شناخت این انواع به درک تحول عظیم اسلام در حوزه خانواده و جایگاه زن کمک شایانی می نماید. ابن حجر عسقلانی در شرح حدیثی از عایشه که در صحیح بخاری آمده، چهار نوع ازدواج را در جاهلیت برمی شمارد:

• ازدواج بر مبنای خطبه و مهریه (ازدواج صحیح)

این نوع ازدواج همانند ازدواج اسلامی بود. مرد از ولی زن خواستگاری می کرد، مهری مقرر می شد و عقد با رضایت طرفین صورت می گرفت. این شکل، تنها نوعی بود که اسلام آن را امضا کرد و بر مشروعیت آن مهر تأیید نهاد (عسقلانی؛ ج ۹: ص ۵)

• ازدواج استبضاع

در این نوع، مرد به همسر خود اجازه می داد با مردی نیرومند یا شجاع آمیزش کند تا فرزندی از او به دنیا آورد. هدف از این نوع رابطه، کسب فرزندان قوی و شریف نسب بود. پس از زایمان، شوهر کودک را فرزند خود می دانست (ابن کثیر؛ ج ۲: ص ۲۴۷)

• ازدواج مُقاطع یا ازدواج گروهی

در این نوع، چند مرد با یک زن آمیزش می کردند و پس از زایمان، زن می توانست یکی از آنان را پدر فرزند معرفی کند. این نوع روابط فاقد هرگونه انضباط شرعی یا اجتماعی بود و نشانگر فقدان کرامت زن و انسجام خانوادگی در جامعه جاهلی است (الطبری؛ ج ۲: ص ۲۳۳)

• ازدواج بغا (زنا با پوشش ازدواج)

برخی زنان پرچمی بر در خانه نصب می کردند و مردان مختلف به آن خانه رفت و آمد داشتند. وقتی زنی از این طریق فرزند می آورد، قیافه شناسان (قائقه) فرزند را به یکی از مردان نسبت می دادند. این شکل، صریح ترین نوع بی نظمی جنسی و بی حرمتی به نهاد خانواده بود (ابن هشام؛ ج ۱: ص ۱۸۵). این انواع، بازتاب ساختار قبیله ای، نگاه ابزاری به زن، و فقدان قوانین الزام آور در ازدواج بودند. زن نه تنها شأن انسانی مستقل نداشت، بلکه گاه وسیله ای برای تأمین نیاز جنسی یا تولید نسل قوی تلقی می شد.

اسلام، با آمدن خود، این شیوه‌های فاسد را باطل اعلام نمود و تنها ازدواج مبتنی بر رضایت، مهر، و رعایت حدود الهی را مشروع دانست. این اقدام، نه تنها جایگاه زن را ارتقاء داد، بلکه بنیان خانواده و جامعه را بر اساس عدالت، مودت و اخلاق مستحکم ساخت.

احکام، و شرایط ازدواج در اسلام (دیدگاه جمهور علمای اهل سنت)

ازدواج در فقه اسلامی، قراردادی شرعی است که هدف آن تشکیل خانواده، حفظ نسل، تأمین عفت و ایجاد مودت و رحمت میان زن و مرد است. جمهور علمای اهل سنت - یعنی فقهای مذاهب چهارگانه (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) - بر آن اند که ازدواج دارای ارکان، شرایط، و احکام خاصی است که رعایت آن برای صحت عقد ضروری است.

نخست: حکم ازدواج

از دیدگاه جمهور، ازدواج به حسب حال مکلف، پنج حالت دارد:
 واجب: اگر فرد خوف ارتکاب زنا داشته باشد و توان مالی ازدواج نیز داشته باشد.
 مستحب: اگر فرد نیاز طبیعی دارد ولی در عین حال بیم گناه در کار نیست.
 مباح: اگر انگیزه‌ای خاص در کار نباشد.
 مکروه: اگر فرد از عهده نفقه و مسئولیت بر نیاید.
 حرام: اگر قصد ظلم به زن یا ارتکاب گناه در میان باشد (السرخی ج ۵: ص ۲)

دوم: ارکان ازدواج

جمهور فقهای ارکان ازدواج را در موارد زیر خلاصه می‌کنند:

۱. ایجاب و قبول: که باید صریح و در مجلس واحد بین طرفین (یا نمایندگان آنان) انجام شود. ایجاب معمولاً از سوی ولی یا زن و قبول از سوی مرد صورت می‌گیرد.
۲. طرفین عقد: مرد و زنی که اهلیت ازدواج دارند، یعنی بالغ، عاقل، و بدون موانع شرعی باشند (مثل حرمت نسبی، رضاعی یا سببی).
۳. ولّی: جمهور فقهای اهل سنت، جز حنفیه، شرط می‌دانند که ازدواج زن بدون اذن ولی باطل است، به استناد حدیث نبوی: «لا نکاح إلا بولی» (الترمذی؛ ش ۱۱۰۱)
۴. شاهدان: جمهور (غیر از مالکیه) حضور دو شاهد عادل را برای صحت عقد نکاح لازم می‌دانند، تا ازدواج آشکار و از زنا متمایز گردد (النووی؛ ج ۷: ص ۲۲۸)

سوم: شرایط صحت و لزوم عقد نکاح

رضایت طرفین: بدون اکراه و اجبار.
 عدم وجود موانع شرعی: مانند ازدواج با محارم، عده زن، یا زن شوهردار.

کفویت (تناسب): در برخی مذاهب مثل حنفی، مسئله کفویت (هم‌شأنی در دین، نسب، حرفه) شرط کمال ازدواج دانسته شده است، گرچه نه شرط صحت.

مهریه: تعیین مهر شرط صحت عقد نیست، اما اگر ذکر نشود، مهر المثل ثابت می‌شود (ابن قدامه؛ ج ۷: ص ۵۶۰) در مجموع، ازدواج از دید جمهور فقها عملی مقدس و اجتماعی است که با رعایت ارکان و شروط آن، هم پیوندی شرعی میان زن و مرد پدید می‌آید و هم زمینه تعالی اخلاقی، دینی و اجتماعی فراهم می‌گردد.

بررسی حکم ازدواج مسلمان با غیرمسلمان در مذاهب خمس

۱. حکم ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب در مذاهب خمس و شرایط صحت آن

ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب (یهودی یا نصرانی) از مسائل اختلافی فقهی نیست، بلکه اصل جواز آن در قرآن کریم آمده و فقهای مذاهب خمس نیز عمدتاً بر اصل جواز آن اتفاق نظر دارند، گرچه درباره حدود، قیود و شرایط آن اختلافاتی دارند.

قرآن کریم در آیه ۵ سوره مائده می‌فرماید: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ...» (زنان پاکدامن اهل کتاب بر شما حلالند اگر مهریه‌شان را بپردازید...) (قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۵)

این آیه مستند اصلی فقهای مذاهب برای جواز ازدواج با زنان کتابی است، به‌ویژه در صورت عفت و پاکدامنی آن‌ها.

• مذهب حنفی

حنفیان جواز ازدواج مرد مسلمان با زن کتابی را پذیرفته‌اند، حتی اگر وی در دارالحرب (کشور غیر اسلامی) باشد. با این حال، برخی از فقیهان مانند کاسانی در کتاب بدائع الصنائع تأکید دارند که این جواز مشروط به عفت زن است، یعنی زن اهل کتاب نباید زناکار باشد (کاسانی؛ ج ۲: ص ۲۳۴) همچنین اگر این ازدواج موجب فتنه در دین یا تأثیر سوء بر فرزندان گردد، از آن نهی شده است، هرچند باطل نیست (ابن رشد؛ ج ۲: ص ۵۴)

• مذهب مالکی

فقهای مالکی، مانند ابن رشد در البدایة، این ازدواج را مکروه دانسته‌اند، به‌ویژه در مواردی که مرد مسلمان بتواند با زن مسلمان ازدواج کند. آنان می‌گویند: گرچه ازدواج با زن کتابی از نظر حکم اولی جایز است، ولی از نظر مصلحت اجتماعی و دینی، مصلحت در ترک آن است (النووی؛ ج ۱۹: ص ۱۸۵)

• مذهب شافعی

شافعیان، جواز ازدواج با زنان کتابی را تأیید می‌کنند و حتی اگر آنان در دارالحرب باشند، آن را مجاز می‌دانند. با این حال، برخی از علمای شافعی همچون امام نووی تصریح می‌کنند که بهتر است از این ازدواج پرهیز شود، اگر احتمال اثر منفی دینی یا فرهنگی در میان باشد (ابن قدامه؛ ج ۷: ص ۲۸۵)

• مذهب حنبلی

حنبلیان نیز جواز ازدواج با زن کتابی را قبول دارند، مشروط به آن که زن محصنه و عقیقه باشد. ابن قدامه در المغنی تصریح می کند که اگر زن اهل کتاب از زنان زناکار باشد، ازدواج با وی جایز نیست، چون شرط عفت در آیه قرآنی لحاظ شده است (علامه حلی؛ ج ۲: ص ۶۹۱)

• فقه امامیه (شیعه دوازده امامی)

فقه‌های امامیه، برخلاف اهل سنت، ازدواج دائم با زن اهل کتاب را جایز نمی دانند. تنها ازدواج موقت با زن یهودی یا نصرانی را - و آن هم با احتیاط - جایز شمرده اند. علامه حلی در تذکرة الفقهاء می گوید: «لا يجوز التزويج الدائم بالكتابية، و أما المتعة ففيها خلاف بين العلماء» (علامه حلی؛ ج ۲: ص ۶۹۱)

شرایط صحت ازدواج با زن کتابی

زن باید محصنه (عقیقه) باشد.

ازدواج باید به قصد نکاح مشروع باشد، نه تنها رابطه جنسی.

باید مهریه مشخص باشد.

به ولایت و سرپرستی مرد مسلمان خللی وارد نشود.

۲. حکم ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان در مذاهب مختلف اسلام و دلایل فقهی و قرآنی ممنوعیت آن

ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان - چه اهل کتاب باشد و چه مشرک - از نظر تمامی مذاهب اسلامی (خمسه) حرام و باطل است. این مسئله، مورد اجماع فقه‌های مذاهب اهل سنت و شیعه امامیه است و دلایل قرآنی، فقهی و مصالح اجتماعی متعددی برای آن ذکر شده است.

• دلایل قرآنی:

دو آیه اصلی قرآن کریم به صراحت این نوع ازدواج را ممنوع می سازند:

آیه ۲۲۱ سوره بقره: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا...» (زنان خود را به مردان مشرک ندهید تا زمانی که ایمان بیاورند).

مفسران این آیه را عام گرفته اند و آن را شامل همه غیرمسلمانان دانسته اند.

آیه ۱۰ سوره ممتحنه: «فَلَا تَزْجُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ، لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ...» (آنان برای کفار حلال نیستند و کفار نیز برای آنان حلال نیستند).

این آیه در مورد زنان مسلمانی نازل شد که از مکه به مدینه هجرت کردند و همسران مشرک خود را ترک گفتند. آیه صریحاً بیان می‌دارد که زن مسلمان برای مرد کافر حلال نیست.

• دیدگاه مذاهب اهل سنت

حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی، هر چهار مذهب تصریح دارند که ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان - حتی اهل کتاب - باطل و حرام است.

ابن قدامه حنبلی می‌گوید: «لا يجوز للمسلمة أن تتزوج كافراً بحال»؛ هیچ حالتی وجود ندارد که زن مسلمان بتواند با کافر ازدواج کند (ابن قدامه؛ ج ۷: ص ۲۸۹)

النووی شافعی در المجموع می‌نویسد: «انعقاد نکاح المسلمة بالكافر باطل بالإجماع». (النووی؛ ج ۱۹: ص ۱۸۶)

السرخسی حنفی نیز در المبسوط می‌نویسد: «هذا العقد لا يصح، لأن الكافر ليس كفناً للمسلمة»؛ مرد کافر هم‌شان زن مسلمان نیست و عقد صحیح نیست (السرخسی؛ ج ۵: ص ۴۵)

• دیدگاه فقه امامیه (شیعه اثنا عشری)

فقه شیعه نیز در این مسئله با اهل سنت هم‌نظر است.

علامه حلی در تذکره الفقهاء تصریح می‌کند: «يُحَرَّم على المرأة المسلمة التزوّج بالكافر مطلقاً»؛ زن مسلمان در هیچ حالتی نمی‌تواند با مرد کافر ازدواج کند (علامه حلی؛ ج ۲: ص ۶۹۲)

• دلایل فقهی و اجتماعی

ولایت و سرپرستی در خانواده در فقه اسلامی با مرد است، و اگر مرد کافر باشد، ممکن است در اجرای احکام اسلامی در خانواده و تربیت فرزندان خلل وارد شود.

تأثیر عقیدتی و فرهنگی: مرد ممکن است زن را از انجام فرائض دینی بازدارد یا فرزندان را به دین خود سوق دهد.

حفظ عزت و استقلال دینی زن مسلمان: اسلام به جایگاه معنوی زن مسلمان اهمیت زیادی داده و ازدواج با غیرمسلمان را خلاف کرامت و ثبات اعتقادی او می‌داند.

بر اساس اجماع فقهای مذاهب خمس، ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، اعم از یهودی، مسیحی یا مشرک، در هر شرایطی باطل و ممنوع است. این حکم برخاسته از نصوص صریح قرآن و سنت نبوی و مبتنی بر مصلحت دین، خانواده و جامعه اسلامی است.

۳. تفاوت دیدگاه مذاهب اهل سنت با فقه شیعه امامیه در خصوص ازدواج موقت یا دائم با غیرمسلمان

مسأله ازدواج مسلمان با غیرمسلمان، به ویژه در قالب ازدواج دائم یا موقت، یکی از موارد اختلافی میان فقهای اهل سنت و فقه شیعه امامیه است. اختلافات اصلی نه تنها در جواز یا عدم جواز ازدواج با غیرمسلمان، بلکه در ماهیت ازدواج موقت (متعّه) و مشروعیت آن در شرع اسلامی است.

• دیدگاه اهل سنت:

ازدواج دائم با زن اهل کتاب

مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) ازدواج دائم مرد مسلمان با زن اهل کتاب (یهودی یا مسیحی) را جایز می دانند، به استناد آیه ۵ سوره مائده: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...» مشروط بر آن که زن محصنه و پاکدامن باشد (السرخسی؛ ج ۵: ص ۳۲) اما ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان در تمامی مذاهب اهل سنت حرام و باطل است.

ازدواج موقت (متعّه)

تمامی مذاهب اهل سنت ازدواج موقت را باطل و حرام می دانند. آنان به استناد روایاتی از عمر بن خطاب و برخی صحابه، می گویند این نوع ازدواج که در آغاز اسلام مشروع بود، بعداً منسوخ شد. ابن قدامه در المغنی می نویسد: «اتفق العلماء على تحريم المتعة وفساد نكاحها» (ابن قدامه؛ ج ۷: ص ۲۸۵)

• دیدگاه فقه شیعه امامیه

ازدواج دائم با زن اهل کتاب

فقهای امامیه به استناد روایات اهل بیت (ع) و تحلیل های فقهی، ازدواج دائم با زنان اهل کتاب را جایز نمی دانند. علامه حلی در تذکرة الفقهاء می نویسد: «الزواج الدائم بالکتابیة لا یجوز عندنا» (علامه حلی؛ ج ۲: ص ۶۹۲)

ازدواج موقت (متعّه)

در فقه امامیه، ازدواج موقت مشروع و معتبر شرعی است و بر اساس آیه «فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن فريضة...» (نساء: ۲۴) و نیز روایات متعدد از امامان معصوم، این نوع نکاح را یکی از طرق مشروع ازدواج می دانند.

فقهای امامیه حتی در مواردی که ازدواج دائم با زن کتابی را ممنوع می دانند، ازدواج موقت با زن کتابی را با رعایت شرایط، جایز دانسته اند (السرخسی؛ ج ۵: ص ۳۲)

۴. نظر مذاهب خمس در باره استمرار یا فسخ ازدواج پس از اسلام آوردن یکی از زوجین از مسائل مهم در فقه اسلامی، آن است که اگر یکی از زوجین (زن یا مرد) اسلام بیاورد، ولی دیگری همچنان بر کفر باقی بماند، چه حکمی بر پیوند زناشویی آن‌ها مترتب است؟ آیا نکاح سابق باقی می‌ماند یا منفسخ می‌شود؟ پاسخ این سؤال در مذاهب خمس دارای فروعات و تفاوت‌هایی است.

• مذهب حنفی

فقه‌های حنفی معتقدند که نکاح به صورت معلق فسخ نمی‌شود، بلکه به حالت توقف در می‌آید. اگر طرف دیگر نیز تا پایان عده اسلام آورد، ازدواج استمرار می‌یابد، اما اگر تا پایان عده مسلمان نشد، نکاح منحل می‌گردد.

سرخسی در المبسوط می‌نویسد: «فإن أسلم أحد الزوجين، يتوقف النكاح إلى انقضاء العدة، فإن أسلم الآخر فيها ثبت النكاح، وإلا انفسخ». این رأی مبتنی بر قاعده «عدم التفريق بين الزوجين إلا بعد انقضاء العدة» است.

• مذهب مالکی

مالکی‌ها دیدگاه مشابهی دارند، اما بر عدم بقاء عقد تا پایان عده تأکید می‌ورزند، مگر اینکه مرد مسلمان شده باشد و زن اهل کتاب باشد. در غیر این صورت، اگر زن مسلمان شود و شوهرش تا پایان عده اسلام نیاورد، عقد خود به خود منفسخ می‌شود.

ابن رشد در بداية المجتهد می‌نویسد: «إن أسلمت المرأة ولم يسلم زوجها، فإن كان من أهل الكتاب، فالنكاح باقٍ، وإن لم يكن، ينفسخ النكاح بعد العدة». (ابن رشد؛ ج ۲: ص ۱۳)

• مذهب شافعی

شافعیان نیز معتقدند که اسلام آوردن یکی از زوجین موجب توقف نکاح می‌شود، نه فسخ فوری. اگر طرف دیگر در عده اسلام آورد، نکاح باقی است، در غیر این صورت نکاح منفسخ خواهد شد. امام نووی در المجموع می‌گوید: «إن أسلم أحد الزوجين، وقف النكاح على إسلام الآخر في العدة، فإن أسلم، فالنكاح باقٍ، وإلا انفسخ» (النووی؛ ج ۱۹: ص ۱۸۷)

• مذهب حنبلی

حنبلیان نیز با سایر مذاهب اهل سنت هم‌نظر هستند. آن‌ها نیز قائل به توقف نکاح تا پایان عده‌اند. اما در مورد مردی که مسلمان شود و زن کتابی باقی بماند، عقد را باقی می‌دانند.

ابن قدامه در المغنی تصریح می‌کند: «إذا أسلم أحد الزوجين، وقف النكاح إلى انقضاء العدة، فإن أسلم الآخر، فهما على نكاحهما، وإلا وقع الفسخ». (ابن قدامه؛ ج ۷: ص ۲۹۰)

• فقه امامیه (شیعه دوازده امامی)

فقه‌های امامیه نیز به صورت کلی معتقدند که در صورت اسلام آوردن زن، در صورتی که شوهرش در عده ایمان نیاورد، نکاح فسخ می‌شود. اما در صورت اسلام آوردن مرد و کتابی بودن زن، در برخی موارد استمرار نکاح را ممکن می‌دانند.

علامه حلی در تذکره الفقهاء می‌گوید: «إذا أسلم أحد الزوجين قبل الدخول، انفسخ النكاح فوراً، وإن أسلم بعد الدخول، فیربص بانقضاء العدة» (علامه حلی؛ ج ۲: ص ۶۹۴)

فقه امامیه برخلاف اهل سنت، میان قبل و بعد از دخول نیز تفاوت می‌نهد. پیش از دخول، فسخ فوری، اما پس از دخول، توقف تا پایان عده را معتبر می‌دانند.

۵. آثار حقوقی و فقهی ازدواج میان مسلمان و غیرمسلمان در مذاهب خمسّه

ازدواج بین مسلمان و غیرمسلمان در فقه اسلامی تنها در حالت خاصی یعنی ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب (یهودی یا نصرانی) معتبر و مشروع شمرده می‌شود. در سایر حالت‌ها، مانند ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان یا ازدواج با مشرک، این ازدواج باطل تلقی شده و آثار حقوقی ندارد. در ادامه، آثار فقهی چنین ازدواجی (در حالت جواز مشروع) را بررسی می‌کنیم.

• ارث (توارث)

اکثر فقه‌های اهل سنت و امامیه اتفاق نظر دارند که ارث میان مسلمان و غیرمسلمان برقرار نمی‌شود، حتی اگر ازدواج شرعی باشد. رسول اکرم (ص) میفرماید «لَا يَرِثُ الْمُسْلِمُ الْكَافِرَ وَلَا الْكَافِرُ الْمُسْلِمَ». (صحیح البخاری؛ حدیث ۶۷۶۴)

حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی: زوج مسلمان از همسر کتابی خود ارث نمی‌برد و بالعکس.

فقه امامیه: همین نظر را دارند و ارث را منوط به وحدت دین می‌دانند، اگرچه در برخی موارد نظیر اسلام زن پس از وفات شوهر احکامی خاص دارند. (کاسانی؛ ج ۴: ص ۲۸۴)

• حضانت (نگهداری فرزند)

در مذاهب اهل سنت، حضانت مادر غیرمسلمان نسبت به فرزند مسلمان تا سنی معین (۷ یا ۹ سال) جایز است، به شرطی که بر تربیت دینی فرزند اثر سوء نگذارد و پس از آن، حضانت به پدر مسلمان منتقل می‌شود. ابن قدامه می‌نویسد: «إذا كانت الأم كافرة، فلها الحضانة ما لم يكن في ذلك ضرر على دين الولد». (ابن قدامه؛ ج ۸: ص ۱۹۰)

در فقه امامیه نیز حضانت زن غیرمسلمان بر فرزند مسلمان تا ۲ سالگی پسر و ۷ سالگی دختر پذیرفته شده است، مشروط به عدم افساد دینی (شهید الثانی؛ ج ۲: ص ۳۴۲)

• ولایت نکاح و ولایت بر فرزند

زن کتابی در صورت طلاق یا فوت شوهر مسلمان، نمی تواند ولایت شرعی بر فرزند مسلمان داشته باشد. ولایت به پدر یا ولی مسلمان تعلق می گیرد و در فقه امامیه نیز ولایت بر کودک مسلمان مخصوص مسلمان است. (علامه حلی؛ ج ۲: ص ۷۰۱)

• مهریه و نفقه

اگر ازدواج با زن کتابی به طور مشروع و با عقد صحیح صورت گیرد، مهریه و نفقه همانند ازدواج با زن مسلمان بر عهده شوهر است. حنفیان تأکید دارند که مهریه در نکاح با کتابیه شرط صحت نیست، اما بر ذمه شوهر مستقر می شود. (السرخسی؛ ج ۵: ص ۶۱)

در فقه شیعه نیز، در صورت صحت ازدواج (موقت یا دائم)، پرداخت مهر و نفقه طبق شرایط معمول لازم است.

• نسب و فرزندان

در صورت انعقاد نکاح صحیح، نسب فرزند به پدر مسلمان ملحق می شود و کودک مسلمان محسوب می گردد. در تمامی مذاهب، فرزند تابع دین مسلمان است، چه پدر مسلمان باشد یا مادر، به دلیل قاعده: «الولد للفراش» و قاعده «الإسلام یعلو ولا یعلی علیه». (النووی؛ ج ۱۹: ص ۱۹۳)

• طلاق و عدّه

طلاق در ازدواج با زن اهل کتاب تابع همان احکام طلاق زن مسلمان است. عدّه، نفقه ایام عدّه، و سایر آثار مترتب هستند. در فقه امامیه، در متعه (ازدواج موقت) با زن کتابی، عدّه واجب است و اگر دخولی صورت گرفته باشد، باید عدّه دو حیض رعایت شود (عاملی؛ ج ۲۱: ص ۹۴)

نتیجه گیری

مسئله ازدواج مسلمان با غیرمسلمان در فقه اسلامی، به ویژه در مذاهب خمسّه (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی و امامیه) همواره موضوعی پیچیده و بحث برانگیز بوده است. در حالی که برخی از مذاهب اسلامی به ویژه در اهل سنت، ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب را مجاز می دانند، در عین حال، فقه شیعه امامیه و بسیاری از مذاهب اهل سنت به طور خاص ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان را به دلیل نگرانی های دینی و اجتماعی تحریم کرده اند. این تفاوت ها در دیدگاه ها، از

تفسیرهای مختلف قرآن و سنت نشأت می‌گیرد و در نهایت به حفظ هویت دینی مسلمانان و جلوگیری از تأثیرات منفی فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ازدواج‌های بین‌دینی بازمی‌گردد.

در حقیقت، این موضوع نه تنها جنبه‌های فقهی بلکه ابعاد اجتماعی و حقوقی بسیاری دارد. مسائلی همچون ولایت، حضانت فرزندان، ارث، نفقه، و حق تربیت دینی فرزندان در چنین ازدواج‌هایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که ازدواج مسلمان با غیرمسلمان می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای خانواده‌ها، جامعه و حتی دولت‌ها به همراه داشته باشد، درک دقیق و جامع این احکام برای حفظ نظم اجتماعی و حمایت از حقوق افراد ضروری است.

همچنین، در دنیای معاصر و در جوامعی که در آن‌ها آمیختگی فرهنگی و دینی رو به افزایش است، این بحث‌ها نیازمند بازنگری و اجتهاد فقهی نوین برای مقابله با چالش‌های جدید اجتماعی است. چنین اجتهاداتی می‌تواند به ایجاد روابط میان‌دینی سالم‌تر و مقررات خانوادگی شفاف‌تری منجر شود و در عین حال به احترام به حقوق بشر و تنوع دینی در جوامع مختلف کمک کند.

در نهایت، پژوهش و بررسی مستمر در این زمینه نه تنها موجب حل مشکلات حقوقی و فقهی موجود می‌شود، بلکه می‌تواند به تقویت وحدت اسلامی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جوامع چنددینی و جهانی نیز کمک کند. به این ترتیب، اهمیت این تحقیق و بحث‌های فقهی مرتبط با آن، نه تنها برای فقه اسلامی بلکه برای مسائل اجتماعی و حقوقی جهانی نیز ضروری و اثرگذار است.

منابع

قران کریم

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (١٤٢٦). مجموع الفتاوی. ریاض: دار الوفاء.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (١٤١٧). فتح الباری شرح صحیح بخاری. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (١٤٠٥). المغنی. بیروت: دارالفکر.
- ابن رشد، محمد بن احمد. (بی تا). بداية المجتهد و نهاية المقتصد. بیروت: دارالفکر.
- احمد بن حنبل. (١٤٠١). مسند احمد بن حنبل. بیروت: دارالفکر.
- السرخسی، محمد بن احمد. (١٤٠٦). المبسوط. بیروت: دارالمعرفة.
- النووی، یحیی بن شرف. (١٤١٧). المجموع شرح المذهب. بیروت: دارالفکر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (١٤٠٧). صحیح بخاری. بیروت: دار ابن کثیر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (١٤١٤). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (١٤١٠). شرح لمعة الدمشقية. قم: مؤسسه دارالهجرة.
- طحاوی، احمد بن محمد. (١٤١٦). شرح معانی الآثار. بیروت: دارالفکر.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (١٤١٤). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
- کاسانی، علاء الدین ابوبکر. (١٤٠٦). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مسلم بن حجاج. (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.